

رسالهٔ پولس رسول به غلاتیان

معرفی رساله

غلاتیه منطقه‌ای است واقع در آسیای صغیر که اکنون ترکیه امروزی می‌باشد. پولس این رساله را به مسیحیان این منطقه که در آن زمان یک ولایت امپراطوری روم بود، نوشته است.

مسیحیان غلاتیه فکر می‌کردند که انسان با اجرای قوانین و تشریفات مذهبی، می‌تواند از جزای گناه نجات پیدا کند و رستگار شود. پولس آنها را به این اشتباه شان متوجه می‌سازد و نشان می‌دهد که نجات از گناه با کوشش انسانی نمی‌تواند حاصل شود. بلکه نجات تحفه‌ای است که از طرف خدا بطور رایگان در صلیب مسیح به بشر اعطا شده است.

فهرست موضوعها:

مقدمه: فصل ۱:۱ - ۱۰

اختیارات پولس به عنوان یک رسول: فصل ۱:۱ - ۲:۲

انجیل فیض خدا: فصل ۳ - ۴

آزادی و مسئولیت مسیحی: فصل ۵:۱ - ۶:۱۰

خاتمه: فصل ۶:۱۱ - ۱۸

۱ از طرف پولس رسول که رسالت خود را نه از جانب انسان و نه به وسیلهٔ کسی به دست آورد، بلکه از طرف عیسی مسیح و خدای پدر که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید، رسول شده

است.^۲ تمام برادرانی که با من هستند به کلیساهای غلاتیه سلام می‌رسانند.^۳ از طرف خدا، پدر ما، و عیسی مسیح خداوند ما فیض و سلامتی بر شما باد.^۴ همان عیسی که جان خود را برای گناهان ما داد تا مطابق ارادهٔ پدر ما خدا، ما را از این زمانهٔ شریر برهاند.^۵ خدا را تا به ابد جلال باد. آمین.

یگانگی انجیل

من از این تعجب می‌کنم که شما به این زودی از آن کسی که شما را به فیض مسیح دعوت کرده است روی‌گردان شده‌اید و اکنون از انجیل دیگری پیروی می‌کنید!^۶ در صورتی که انجیل دیگری وجود ندارد، اما عده‌ای هستند که می‌خواهند شما را پریشان سازند و انجیل مسیح را تحریف نمایند.^۸ حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما اعلام کردیم بیاورد، بر او لعنت باد!^۹ چنانکه قبلاً گفته بودم باز هم تکرار می‌کنم: «هر کسی که انجیلی غیر از آنچه پذیرفتید بیاورد، بر او لعنت باد.»

آیا این سخن می‌رساند که من رضایت آدمیان را می‌خواهم؟^{۱۰} خیر! من فقط رضایت خدا را می‌خواهم و آیا قصدم خوشنود ساختن مردم است؟ اگر تا کنون قصدم این می‌بود، خادم مسیح نمی‌بودم!

پوئس چگونه رسول مسیح شد؟

ای برادران، می‌خواهم بدانید انجیلی که من به شما دادم، ساخته و پرداخته دست انسان نیست.^{۱۲} من آن را از کسی نگرفتم و کسی هم آن را به من نیاموخت بلکه عیسی مسیح به وسیلهٔ الهام آن را به من آشکار ساخت.

^{۱۳} سرگذشت و اعمال سابق مرا در دین یهود شنیده‌اید که چگونه با بی‌رحمی به کلیسای خدا آزار می‌رسانیدم و در نابود ساختن آن می‌کوشیدم. ^{۱۴} و در رعایت دیانت یهود از تمام یهودیان هم سن خود پیشی می‌گرفتم و خیلی بیشتر از آن‌ها در اجرای تعلیمات نیاکان خود متعصب بودم. ^{۱۵} اما وقتی خدا که مرا پیش از تولد برگزیده و به وسیله فیض خود مرا دعوت کرده بود، صلاح دانست ^{۱۶} که پسر خود را در من ظاهر سازد تا بشارت او را به مردم غیریهود برسانم، به عوض اینکه با کسی مشورت کنم ^{۱۷} یا به اورشلیم نزد آنانی که قبل از من رسول بودند بروم، فوراً به عربستان رفتم و بعد به دمشق باز گشتم.

^{۱۸} بعد از سه سال به اورشلیم برگشتم تا با پترُس آشنا شوم و مدت پانزده روز نزد او ماندم. ^{۱۹} هیچ رسول دیگری را جز یعقوب، برادر خداوند ندیدم. ^{۲۰} آنچه به شما می‌نویسم عین حقیقت است و خدا شاهد است که دروغ نمی‌گویم. ^{۲۱} بعداً به نواحی سوریه و قلیقیه رفتم ^{۲۲} و کلیساهای مسیح در یهودیه مرا شخصاً نمی‌شناختند ^{۲۳} فقط می‌شنیدند که: «آن کسی که به ما آزار می‌رسانید اکنون همان ایمانی را بشارت می‌دهد که زمانی می‌کوشید آن را از بین ببرد.» ^{۲۴} و خدا را به خاطر من سپاس می‌گفتند.

پولس و رسولان دیگر مسیح

^۲ ^۱ باز چهارده سال بعد با برنابا به اورشلیم برگشتم و تیطس را نیز با خود بردم. ^۲ من رفتم، زیرا خدا به وسیله الهام به من نشان داد که رفتن من ضروری است و آن مژده‌ای را که اکنون در میان

ملل غیریهود اعلام می‌کنم برای ایشان مطرح کردم. البته اول آن را محرمانه با اشخاص برجستهٔ کلیسا در میان گذاشتم مبادا آنچه انجام داده بودم و یا انجام می‌دهم بیهوده باشد.^۳ و با وجود اینکه تیطس، همسفر من، یونانی بود، او را مجبور نکردند که سنت گردد،^۴ اگر چه عده‌ای که وانمود می‌کردند برادران دینی ما هستند، می‌خواستند او را سنت کنند. اینها مخفیانه به میان ما راه یافتند تا مانند جاسوس‌ها اطلاعاتی دربارهٔ آزادی ما در مسیح عیسی یابند و ما را دوباره به بندگی شریعت درآورند.^۵ اما ما یک لحظه هم تسلیم ارادهٔ آنها نشدیم تا پیوسته حقیقت انجیل برای شما محفوظ بماند.

^۶ و آنانی که ظاهراً اشخاص برجسته‌ای بودند، چیزی به پیام ما اضافه نکردند. (نام و نشان آن‌ها برای من اهمیتی ندارد. خدا تحت تأثیر مقام کسی قرار نمی‌گیرد!)^۷ بلکه آن‌ها به این حقیقت پی بردند که خدا مرا وظیفهٔ اعلام انجیل به غیریهودیان را داده است. همانطوری که وظیفهٔ اعلام انجیل به یهودیان را به پترس سپرده بود.^۸ همان خدائی که به من قدرت داد تا رسول غیریهودیان باشم، به پترس نیز قدرت بخشید تا رسول یهودیان باشد.^۹ وقتی یعقوب و پترس و یوحنا که به ارکان کلیسا معروفند، آن فیضی را که خدا به من عطا فرموده بود تشخیص دادند، آن‌ها دست من و برنابا را به علامت موافقت فشردند و قبول کردند که ما در میان غیریهودیان کار کنیم و آن‌ها در میان یهودیان.^{۱۰} تنها پیشنهادی که داشتند این بود که در فکر فقرا باشیم، یعنی همان کاری که من می‌خواستم انجام بدهم.

سرزنش کردن پترُس

^{۱۱} اما وقتی پترُس به انطاکیه آمد، روبرو با او مخالفت کردم، زیرا کاملاً مقصر بود. ^{۱۲} از آن رو که پیش از رسیدن عده‌ای از طرف یعقوب، او با غیریهودیان غذا می‌خورد، اما با رسیدن آن‌ها خود را کنار کشید و دیگر نمی‌خواست با غیریهودیان غذا بخورد مبادا اهل سنت را برنجانند ^{۱۳} و دیگر مسیحیان یهودی‌نژاد از ریاکاری او پیروی کردند، به طوری که حتی برنابا نیز تحت تأثیر دورویی آن‌ها قرار گرفت. ^{۱۴} اما وقتی دیدم رفتار آن‌ها با حقیقت انجیل یکی نیست، در حضور همه به پترُس خطاب کرده گفتم: «اگر تو با اینکه یهودی هستی، مانند غیریهودیان زندگی می‌کنی و نه مانند یهودیان، چطور می‌توانی غیریهودیان را مجبور سازی که مثل یهودیان زندگی کنند؟»

نجات یهودیان و غیریهودیان

^{۱۵} ما که یهودی مادرزاد هستیم و نه غیریهودی گناهکار، ^{۱۶} خوب می‌دانیم که هیچ کس با اجرای احکام شریعت در حضور خدا عادل شمرده نمی‌شود بلکه فقط بر اثر ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده می‌شود. ما خود نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا به وسیلهٔ ایمان و نه با اجرای شریعت عادل شمرده شویم. نه فقط ما بلکه هیچ بشری از راه انجام احکام شریعت نمی‌تواند عادل شمرده شود.

^{۱۷} پس اگر در بین تلاش خود برای رسیدن به عدالت که در مسیح یافت می‌شود، دریابیم که ما نیز مثل دیگران گناهکار هستیم، آیا باید مسیح را عامل گناه خود بدانیم؟ هرگز نه! ^{۱۸} اما اگر آنچه را

که خود خراب کرده‌ام بار دیگر بنا کنم، البته نشان می‌دهم که شخصی خطا کار هستم.^{۱۹} زیرا تا آنجا که به شریعت مربوط است، من مرده‌ام. زیرا به وسیلهٔ شریعت کشته شدم تا برای خدا زیست نمایم.^{۲۰} من با مسیح مصلوب شده‌ام به طوری که دیگر آنکه زندگی می‌کند من نیستم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند و در خصوص این زندگی جسمانی‌ای که من اکنون دارم، فقط به وسیلهٔ ایمان به پسر خدا که به من محبت داشت و جان خود را به خاطر من داد زندگی می‌کنم.^{۲۱} فیض خدا را باطل نمی‌کنم، زیرا اگر عدالت از راه شریعت حاصل می‌شد، مرگ مسیح بی‌فایده می‌بود.

شریعت یا ایمان؟

۳ ای غلاتیان نادان، مرگ عیسی مسیح با چنان روشنی بیان شد که گویی او در برابر چشمان شما مصلوب شده است. پس چه کسی شما را افسون کرده است؟^۲ من از شما فقط یک سؤال دارم: آیا شما روح القدس را از راه انجام شریعت به دست آوردید یا از گوش دادن به انجیل و ایمان آوردن به آن؟^۳ چطور می‌توانید تا به این اندازه احمق باشید؟ شما که با قدرت روح القدس شروع کردید آیا اکنون می‌خواهید با قدرت جسمانی خود به کمال برسید؟^۴ آیا این همه تجربیات شما بی‌فایده بوده است؟ گمان نمی‌کنم.^۵ آیا خدایی که روح القدس را به شما می‌بخشد و در میان شما معجزه‌ها می‌کند، این کارها را به خاطر اینکه احکام شریعت را بجا می‌آورید انجام می‌دهد؟ و یا به سبب آنکه انجیل را شنیده و به آن ایمان دارید؟

^۶ برای ابراهیم درست همین طور شد. «او به خدا ایمان آورد و خدا آن ایمان را به عنوان عدالت به حسابش گذاشت» ^۷ پس باید بدانید که ایمانداران، فرزندان حقیقی ابراهیم هستند. ^۸ چون کلام خدا از پیش، زمانی را می‌دید که خدا غیریهودیان را از راه ایمان عادل می‌شمارد، قبلاً به ابراهیم بشارت داده گفت: «به وسیله تو تمام ملتها برکت خواهند یافت.» ^۹ بنابراین ایمانداران در برکات ابراهیم ایماندار، شریک و سهیم هستند.

^{۱۰} از طرف دیگر همه آنانی که به اطاعت از شریعت تکیه می‌کنند لعنت شدند، زیرا نوشته شده است: «هرکه همیشه تمام آنچه را که در شریعت نوشته شده است، بجا نیاورد ملعون است.» ^{۱۱} اکنون کاملاً روشن است که هیچ کس در حضور خدا به وسیله شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا «شخص عادل به وسیله ایمان زندگی می‌کند.» ^{۱۲} اما شریعت بستگی به ایمان ندارد، زیرا «عمل‌کننده شریعت با اجرای شریعت زندگی خواهد کرد.»

^{۱۳} وقتی مسیح به خاطر ما ملعون شد، ما را از لعنت شریعت آزاد کرد. زیرا نوشته شده است: «هرکه به دار آویخته شود، ملعون است.» ^{۱۴} این همه واقع شد تا برکتی که خدا به ابراهیم وعده داده بود، به وسیله عیسی مسیح به غیریهودیان برسد تا ما روح القدس وعده شده را از راه ایمان به دست آوریم.

شریعت و وعده‌های خدا

^{۱۵} ای برادران، می‌خواهم از یک مثل روزمره استفاده کنم: هیچکس نمی‌تواند به پیمانی که تأیید شده است، چیزی بیفزاید یا آن را باطل سازد. ^{۱۶} حال، وعده‌ها به ابراهیم و نسل او داده شد و

نمی‌گویید: «نسلها» تا شامل بسیاری گردد، بلکه به یک فرزند یعنی به مسیح اشاره می‌کند.^{۱۷} مقصود من این است: شریعتی که چهار صد و سی سال بعد برقرار گردید، نمی‌تواند پیمانی را که خدا با ابراهیم بست فسخ نماید به طوری که وعده خدا را باطل سازد،^{۱۸} زیرا اگر میراث بسته به شریعت باشد، دیگر آن به وعده خدا بستگی ندارد، اما خدا بنابر وعده خود آن را به ابراهیم عنایت فرمود.

^{۱۹} پس مقصود از شریعت چیست؟ شریعت چیزی بود که بعدها برای شناخت گناه اضافه شد و قرار بود فقط تا زمان ظهور فرزند ابراهیم که وعده به او داده شده بود دوام داشته باشد. همین شریعت به وسیله فرشتگان و با دست یک واسطه برقرار شد.^{۲۰} هر جا واسطه‌ای باشد، وجود طرفین حتمی است. اما وعده تنها یک طرف دارد، یعنی خدا.

مقصود از شریعت

^{۲۱} بنابراین آیا شریعت با وعده‌های خدا مخالفت دارد؟ هرگز! زیرا اگر شریعتی داده شده بود که قادر به بخشیدن زندگی بود، البته عدالت نیز به وسیله شریعت میسر می‌شد.^{۲۲} اما کلام خدا همه را اسیر گناه دانسته است تا برکت وعده شده که از راه ایمان به عیسی مسیح به دست می‌آید به ایمانداران عطا شود.

^{۲۳} اما پیش از رسیدن دوره ایمان همه ما محبوس و تحت تسلط شریعت بودیم و در انتظار آن ایمانی که باید ظاهر می‌شد به سر می‌بردیم.^{۲۴} به این ترتیب شریعت رهنمای ما بود که ما را به مسیح برساند تا به وسیله ایمان عادل شمرده شویم،^{۲۵} اما چون اکنون

دوره ایمان رسیده است دیگر تحت مراقبت رهنما نیستیم.

^{۲۶} زیرا ایمان باعث شد که همه شما در پیوستگی با مسیح عیسی فرزندان خدا باشید. ^{۲۷} شما که در پیوستگی با مسیح تعمید گرفتید، با مسیح پوشیده شده‌اید. ^{۲۸} پس دیگر هیچ تفاوتی میان یهودی و غیریهودی، برده و آزاد، مرد و زن وجود ندارد، زیرا همه شما در پیوستگی با مسیح عیسی یک هستید ^{۲۹} و اگر متعلق به مسیح هستید، نسل ابراهیم و مطابق وعده خدا وارث او هستید.

^۴ مقصود من اینست: تا زمانی که وارث صغیر است، اگرچه مالک همه دارایی پدر خود باشد، با یک غلام فرقی ندارد. ^۲ او تا روزی که پدرش معین کرده است تحت مراقبت سرپرستان و قیم‌ها به سر خواهد برد. ^۳ ما نیز همین‌طور در دوران کودکی، غلامان عقاید طفلانه دنیوی بودیم، ^۴ اما وقتی زمان معین فرا رسید، خدا پسر خود را که از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود، فرستاد ^۵ تا با خونبها، آزادی کسانی را که در قید شریعت بودند فراهم سازد و تا ما مقام فرزندی را به دست آوریم.

^۶ خدا برای اثبات این که شما فرزندان او هستید، روح پسر خود را به قلب‌های ما فرستاده است و این روح فریاد زده می‌گوید: «آبا، ای پدر.» ^۷ پس تو دیگر برده نیستی، بلکه پسری و چون پسر هستی، خدا تو را وارث خود نیز ساخته است.

نگرانی پولس برای غلاتیان

^۸ در گذشته به علت اینکه خدای حقیقی را نشناخته بودید، خدایانی را که وجود حقیقی نداشتند، بندگی می‌کردید. ^۹ اما اکنون

که خدا را می‌شناسید - بهتر بگویم خدا شما را می‌شناسد - چگونه می‌توانید به عقاید طفلانه و پست برگردید؟ چرا می‌خواهید دوباره بردگان آن عقاید شوید؟^{۱۰} روزها، ماه‌ها، فصل‌ها و سال‌های مخصوصی را نگاه می‌دارید.^{۱۱} می‌ترسم تمام زحماتی را که تا کنون برای شما کشیده‌ام به هدر رفته باشد!

^{۱۲} ای برادران، از شما تقاضا می‌کنم مثل من بشوید، مگر من مثل شما نشده‌ام؟ من نمی‌گویم که شما به من بدی کرده‌اید.^{۱۳} شما می‌دانید به علت ناخوشی جسمانی من بود که برای اولین بار در آنجا به شما بشارت دادم^{۱۴} و اگر چه ناخوشی من آزمایش سختی برای شما بود، مرا خوار نشمردید و از من رویگردان نشدید. برعکس، طوری از من پذیرایی کردید که گویی فرشته خدا یا حتی مسیح عیسی بودم.^{۱۵} پس آن رضامندی‌ای که نسبت به من داشتید چه شد؟ من می‌توانم بدون شک بگویم که اگر ممکن می‌بود چشمان خود را کشیده به من می‌دادید.^{۱۶} آیا حالا با اظهار حقیقت، دشمن شما شده‌ام؟

^{۱۷} بدانید، آن اشخاصی که توجه زیادی به شما نشان می‌دهند، نیت شان خیر نیست! آن‌ها تنها چیزی که می‌خواهند این است که شما را از من جدا سازند تا سرانجام شما نیز توجه زیادی به آن‌ها نشان دهید.^{۱۸} جلب توجه کردن در صورتی که برای یک هدف عالی و همیشگی باشد چیز خوبی است، نه فقط هنگامی که من با شما هستم.^{۱۹} ای فرزندان من، بار دیگر درست مانند مادری در وقت زایمان، برای شما احساس درد می‌کنم تا شکل مسیح در شما پیدا شود.^{۲۰} ای کاش اکنون پیش شما می‌بودم تا با لحن دیگری با شما سخن می‌گفتم. فعلاً در مورد شما بسیار حیران هستم!

^{۲۱} بگوئید ببینم، شما که علاقه دارید تحت فرمان شریعت باشید، مگر آنچه را که تورات می‌گوید، نمی‌شنوید؟ ^{۲۲} زیرا در تورات نوشته شده است که ابراهیم دو پسر داشت، یکی از کنیز و دیگری از زن آزاد. ^{۲۳} پسر کنیز به طور معمولی تولد یافت و پسر زن آزاد در نتیجه وعده خدا متولد شد. ^{۲۴} این داستان را برای تشبیه می‌توان این‌طور بیان کرد. این دو زن - دو پیمان هستند - یکی از کوه سینا ظاهر می‌شود و فرزندان برای بردگی می‌آورد و اسمش هاجر است. ^{۲۵} هاجر نماینده کوه سینا در عربستان و برابر با اورشلیم کنونی است که خود و فرزندان در بندگی گرفتارند. ^{۲۶} اما، اورشلیم آسمانی آزاد و مادر همه ماست، ^{۲۷} زیرا نوشته شده است:

«شادباش ای زنی که هرگز نزائیده‌ای و ای تو که هرگز درد زایمان را نچشیده‌ای.

فریاد کن و از شادمانی به صدا درآی، زیرا فرزندان زن بی‌کس از فرزندان زن شوهردار بیشترند.»

^{۲۸} اکنون شما نیز ای برادران، بنابر وعده خدا، مانند اسحاق

فرزندان خدا هستید. ^{۲۹} در آن زمان، فرزندی که به طور معمولی

زائیده شده بود، فرزندی را که به قدرت روح خدا تولد یافت آزار

می‌داد و امروز نیز همین‌طور است. ^{۳۰} اما چه نوشته شده است؟

می‌فرماید: «کنیز و پسرش را بیرون کن، زیرا پسر کنیز به هیچ وجه

هم ارث با پسر زن آزاد نخواهد بود.» ^{۳۱} بنابراین ای برادران، ما

فرزندان کنیز نیستیم بلکه اولاد زن آزاد می‌باشیم.

آزادی خود را حفظ کنید

۵ 'بلی ما آزادیم، زیرا مسیح ما را رهایی بخشید. پس در این آزادی استوار باشید و نگذارید که بار دیگر یوغ بندگی به گردن شما گذاشته شود.

۲ ببینید که من، پولس با تأکید به شما می‌گویم، اگر سنت شوید دیگر مسیح برای شما هیچ فایده‌ای ندارد! ۳ بار دیگر تأکید می‌کنم: اگر کسی سنت شود، مجبور است از تمام احکام شریعت اطاعت نماید! ۴ و شما که می‌کوشید به وسیلهٔ اجرای شریعت عادل شمرده شوید، بدانید که ارتباط خود را با مسیح قطع کرده و از فیض خدا دور افتاده‌اید. ۵ ما به وسیلهٔ روح القدس در انتظار انجام امید خود، یعنی عدالتی که از راه ایمان حاصل می‌شود به سر می‌بریم. ۶ برای کسی که در مسیح است، داشتن و یا نداشتن ختنه چیز مهمی نیست. آنچه اهمیت دارد ایمان است که با محبت عمل می‌کند.

۷ شما خوب پیش می‌رفتید! چه کسی شما را گمراه ساخت تا حقیقت را پیروی نکنید؟ ۸ این نوع تحریک از جانب آن کسی که شما را دعوت کرده است نمی‌تواند باشد! ۹ «فقط خمیرمایه کمی لازم است تا خمیر زیادی برسد.» ۱۰ من در خداوند اطمینان دارم که شما عقیدهٔ دیگری نخواهید داشت و آنکه مزاحم شماست هر که باشد، به جزای اعمال خود خواهد رسید.

۱۱ و اما من، ای برادران، اگر - به قول بعضی‌ها - هنوز لزوم سنت را اعلام می‌کنم، پس چرا باز هم جفا می‌بینم؟ اگر چنین کاری را می‌کردم دیگر کسی از پیام صلیب ناراحت نمی‌شد! ۱۲ ای کاش

آنانی که شما را با تعلیم سنت پریشان می سازند سنت خود را
کاملتر کرده خویشتن را منقطع سازند.

^{۱۳} ای برادران، شما به آزادی خواسته شده‌اید، ولی نگذارید که این
آزادی به بی بند و باری برای بر آوردن هوسهای جسمانی شما
تبدیل گردد، بلکه با محبت یکدیگر را خدمت کنید. ^{۱۴} زیرا تمامی
شریعت در یک حکم خلاصه می شود: «همسایه‌ات را مانند
خودت دوست بدار.» ^{۱۵} اما اگر با چنگ و دندان به جان هم
بیفتید، حتماً یکدیگر را نابود خواهید ساخت.

ثمرات روح و اعمال طبیعت نفسانی

^{۱۶} مقصود من این است: اگر تحت فرمان روح القدس به سر برید،
به هیچ وجه خواهش‌های نفس را ارضا نخواهید کرد. ^{۱۷} زیرا
تمایلات نفسانی خلاف روح القدس و آرزوهای روح القدس بر
خلاف طبیعت نفسانی است و این دو مخالف یکدیگرند. به
طوری که شما نمی‌توانید آنچه را دل تان می‌خواهد انجام دهید.
^{۱۸} اما اگر روح خدا شما را هدایت کند، شما در قید شریعت
نیستید.

^{۱۹} اعمال طبیعت نفسانی آشکارند: زنا، ناپاکی، هرزگی،
^{۲۰} بُت‌پرستی، جادوگری، دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم،
خودخواهی، اختلافات، دسته‌بندی، حسادت، مستی، عیاشی و
امثال اینها. ^{۲۱} اکنون مانند گذشته به شما می‌گویم: کسانی که این
چنین اعمال را بجا آورند در پادشاهی خدا نصیبی نخواهند
داشت.

^{۲۲} اما ثمره‌ای که روح القدس به بار می‌آورد: محبت، خوشی،

سلامتی، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری،^{۲۳} فروتنی و خویشنداری است که هیچ قانونی که بر خلاف چنین کارها باشد، وجود ندارد.^{۲۴} و آنانی که متعلق به مسیح عیسی هستند، طبیعت نفسانی را با هوس‌ها و خواهش‌های آن مصلوب کرده‌اند.^{۲۵} اگر روح خدا سرچشمه زندگی ماست، او هم باید رهبر زندگی ما باشد.^{۲۶} خودپسند نباشیم و یکدیگر را نرنجانیم و بر یکدیگر حسادت نورزیم.

حمل کردن بارهای یکدیگر

۶^۱ ای برادران، اگر کسی در حین ارتکاب خطا دیده شود شما که روحانی هستید او را با اخلاص به راه راست آورید، اما خود را نگهدارید مبادا شما نیز دستخوش وسوسه شوید.^۲ بارهای یکدیگر را حمل کنید و به این طریق حکم مسیح را بجا خواهید آورد.^۳ اگر کسی خود را شخص بزرگی بداند در حالی که چیزی نیست، خود را فریب می‌دهد.^۴ هرکس باید رفتار خود را بیازماید و اگر رفتارش پسندیده بود، می‌تواند به خود فخر کند و لزومی ندارد که خود را با دیگران مقایسه کند،^۵ زیرا هرکس باید متحمل بار خود باشد.

۶^۶ هر که در کلام تعلیم یافته باشد، معلم را در تمام نعمات خویش شریک سازد.

۷^۷ فریب نخورید، هیچ کس نمی‌تواند خدا را فریب دهد، زیرا آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد.^۸ مثلاً اگر کسی بذر در کشتزار نفس خویش بکارد، از آن خرمن مرگ را درو خواهد کرد و اگر در کشتزار روح خدا بکارد از روح زندگی ابدی را درو

خواهد کرد.^۹ از انجام نیکوکاری خسته نشویم زیرا اگر دست از کار نکشیم در وقت مناسب محصول خود را درو خواهیم کرد.^{۱۰} پس تا آنجا که فرصت داریم به همه نیکی کنیم، مخصوصاً به کسانی که در ایمان با ما اعضای یک خانواده هستند.

خاتمه

^{۱۱} ببینید من با دست خود با چه حروف درشتی برای شما می نویسم.^{۱۲} مقصود آنانی که شما را به سنت مجبور می کنند، این است که تظاهر کنند. مخصوصاً آن ها نمی خواهند به خاطر صلیب مسیح جفا ببینند.^{۱۳} حتی آنانی که سنت شده اند، شریعت را بجا نمی آورند! آن ها می خواهند که شما سنت شوید تا به اطاعت شما در یک عمل جسمانی فخر کنند.^{۱۴} و اما من، خدا نکند که به چیزی جز صلیب خداوند ما عیسی مسیح فخر کنم که به وسیله آن، دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا.^{۱۵} شدن یا نشدن سنت مهم نیست، بلکه فقط خلقت نو اهمیت دارد.^{۱۶} به همه آنانی که در زندگی خود از این قاعده پیروی می کنند، یعنی به اسرائیل حقیقی خدا، سلامتی و رحمت باد.

^{۱۷} دیگر هیچ کس مزاحم من نشود، زیرا داغ هایی مسیح را بر بدن خود دارم.

^{۱۸} ای برادران، فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد، آمین.